



Examining the Challenges and Removing the Conflict of Electronic Procedure Rules in Iranian Legal System with a Comparative View to French Law

Mehdi Vahdati¹

Hossein Taherkhani²

Parviz Savaraii³

Jamshid Nourshargh⁴

Received: 07/01/2020; Accepted: 06/06/2020

Abstract

Proper implementation of the law in order to establish justice is the concern of all legal systems and requires some changes in the course of procedure. Some changes, due to the increasing progress of new communication methods, in addition to providing a safe communication mainline between judicial authorities and judicial officers, will play a notable role in documentations recording and maintaining confidentiality of documents. Therefore, the encounter of the judiciary with electronic communications and the need to prepare the executive arrangements for this process of cooperation with the cooperation of e-service providers, both public and private, seems to be inevitable and essential. The Legislator, by enacting Article 175 and Section 9 of 2013 Criminal Procedure Code, prescribed the Electronic Procedure for the first time. In recent decade, the Judiciary has made its efforts paving the way and securing the necessary infrastructure by issuing numerous bylaws including the Bylaw on the Way to Use Computer and Telecommunication Systems. At the time, many of the procedure-related affairs are conducted electronically and the Judiciary's Center for Statics and Information Technology and Information Center supervising subsidiary judicial offices is responsible for it. By exact investigation of the functioning of bodies responsible for electronic procedure, analyzing existing laws through examination of the infrastructure needed to create a system for e-proceedings, and identifying some problems including non-obligatoriness of using this type of procedure, the necessity to change the way for notification and electronic holding of proceedings inspired by French laws and providing appropriate solutions including the need to develop regulations and related instructions are among the goals of this article.

Key words: Electronic Procedure, Formalities and Principles of Procedure, Electronic Signature, Electronic Notification, Notification Background.

1. PhD. Student in Private Law, Departement of Law, Islamic Azad University, Kish International Branch, Kish Island, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, South Tehran Branch. (Corresponding Author); Email: h_taherkhani@azad.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Private Law, Faculty of Law, Shahid Beshti University.
4. Assistant Professor, Department of Private Law, Islamic Azad University, South Tehran Branch.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی چالش‌ها و رفع تعارض مقررات مربوط به دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران با نگرش تطبیقی در حقوق فرانسه

^۱ مهدی وحدتی

^۲ حسین طاهرخانی

^۳ پرویز ساورانی

^۴ جمشید نورشرق

تاریخ دریافت ۹۸/۱۰/۱۷ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۳/۱۷

چکیده

اجرای صحیح قانون در راستای ایجاد عدالت، از دغدغه‌های کلیه نظام‌های حقوقی بوده و نیازمند تغییرات در روند دادرسی است. برخی از تغییرات به اقتضای پیشرفت روزافزون روش‌های نوین ارتباطی علاوه بر اینکه شاهراه امن ارتباطی مهمی فی‌مابین مقامات قضایی و ضابطین دادگستری مهیا می‌نماید، نقش به‌سزایی در ثبت و ضبط مستندات و حفظ محرمانگی اسناد خواهند داشت. لذا رویارویی دستگاه قضایی با ارتباطات الکترونیکی اجتناب‌ناپذیر و لزوم تدارک مقدمات اجرایی این نحوه از رسیدگی با همکاری ارائه‌دهندگان خدمات الکترونیکی اعم از دولتی و خصوصی، ضروری به نظر می‌رسد. قانونگذار با تصویب ماده (۱۷۵) و بخش نهم قانون آئین دادرسی کیفری در سال ۱۳۹۲ برای اولین بار دادرسی الکترونیکی را تجویز و دستگاه قضایی در دهه اخیر با وضع آیین‌نامه‌های متعدد از جمله آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی، در راستای ایجاد بستر و تأمین زیر ساخت‌های لازم، اهتمام خود را بکارگرفته و اکنون غالب امور دادرسی از طریق الکترونیکی صورت می‌گیرد و تولیت آن با مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه ناظر بر دفاتر خدمات قضایی زیر مجموعه می‌باشد. با تدقیق در نحوه کارکرد نهادهای متولی امر دادرسی الکترونیکی، تحلیل قوانین موجود با بررسی زیر ساخت‌های مورد نیاز جهت ایجاد سامانه‌ای برای دادرسی‌های الکترونیکی و شناسایی برخی مشکلات از جمله غیرالزامی شدن استفاده از این نحوه دادرسی، لزوم تغییر نحوه ابلاغ و نحوه تشکیل جلسات دادرسی به صورت الکترونیک با الهام از قوانین کشور فرانسه و ارائه راهکار مناسب از جمله لزوم تدوین آئین نامه و دستورالعمل‌های مربوط به آن، از اهداف این مقاله می‌باشد.

واژگان کلیدی: دادرسی الکترونیکی، تشریفات و اصول دادرسی، امضاء الکترونیکی، ابلاغ الکترونیکی، سابقه ابلاغ.

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین الملل کیش، جزیره کیش، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، (نویسنده مسئول)؛

رایانامه: h_taherkhani@azad.ac.ir

۳. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه شهید بهشتی.

۴. استادیار گروه حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب.





مقدمه

رعایت اصول و تشریفات دادرسی از ارکان مهم یک دادرسی صحیح است. تغییر نحوه رعایت اصول و تشریفات می تواند به اعتبار دادرسی افزوده و یا آنرا زایل نماید. تغییر نحوه دادرسی نه از باب تغییر قوانین بلکه تغییر نحوه اجرای آنها مورد نظر است اما عندالزوم نیازمند تغییر قوانین نیز می باشد. در شیوه غیر الکترونیکی دادرسی شخص تظلم خواه با مراجعه به دستگاه قضایی و تقدیم دادخواست یا شکواییه، تظلم خواهی خود را مطرح و پس از طی روند قانونی ارجاع، ثبت و پرداخت هزینه، شعبه مرجوع علیه با بررسی ادعا و دعوت از طرف دعوی و تشکیل جلسه، ضمن استماع اظهارات طرفین و عندالزوم تحقیقات مورد نیاز از جمله ارجاع امر به کارشناسی، تحقیق محلی، استعلام های مورد نیاز و استماع شهادت شهود، اقدام به اتخاذ تصمیم می نماید. کلیه این امور زیر مجموعه قانون- آئین دادرسی مدنی یا کیفری که از قواعد آمره و لازم الاجرا بوده قرار داشته و عدم رعایت آنها می تواند موجبات نقض رای را فراهم آورد. با ورود سیستم های الکترونیکی و تغییر نحوه ارتباط سنتی کاغذی به شکل نوین الکترونیکی و لزوم ارتباط کلیه دفاتر و شعب مجتمع های قضایی در سطح کشور به یکدیگر، اجرای قوانین آمره سنتی و الکترونیکی در دعاوی حقوقی و کیفری، دستگاه قضایی را با چالش روبرو می کند. « در فرانسه نیز در پی تصویب قانون ارگانیک مربوط به قوانین مالی^۱ تحت عنوان مارشال ۲۰۰۸ که آنرا قانونی انقلابی که از سال ۲۰۰۶ تعریف نواقص اعتبارات، وزارتخانه ها در مأموریت و برنامه الزامی گردید، امری که اهداف اعم از عمومی را بررسی نموده و نتایج آنها را ارزیابی می- کند. در حقیقت، به موجب این قانون روش ارزیابی از "منطق مبتنی بر وسیله"^۲ به "منطبق

1 Raine

2 Logique de performance et de résultats





مبنتی بر نتیجه^۱ تغییر یافت و دادگستری نیز به نوبه خود به سمت ارزیابی کیفیت اعمال خود حرکت کرد. در حال حاضر بنابر گزارش " کمیسیون اروپایی برای کارآمدی دادگستری "^۲ در سال ۲۰۱۰ فرانسه توانسته است در شیوه نوشتار الکترونیک، داده‌پیام الکترونیکی رویه قضایی، ایمیل، ارتباط به اینترنت، ثبت پرونده‌ها، سامانه اطلاع رسانی در خصوص مدیریت دادگاه‌ها، سامانه اطلاعات مالی، فرمهای الکترونیکی به طور کامل و در مورد پرونده‌های الکترونیکی بیشتر از ۵۰ درصد و در خصوص سایت اینترنتی کمتر از ۵۰ درصد از کلیه معیارهای صدرالاشاره را در تمام کشور اجرا و عملیاتی نماید (گزارش کمیسیون اروپایی برای کارآمدی دادگستری، ۲۰۱۰: ۹۹) بر اساس بخشنامه اخیر وزیر دادگستری و آزادی‌های این کشور مورخ ۳۰ مارس ۲۰۱۱ مندرج در روزنامه رسمی ۳۱ مارس ۲۰۱۱ صفحه ۵۶۰۰ تمامی وابستگان دادگستری مانند وکلا و کارشناسان و دادگاه‌های تجدیدنظر می‌توانند در دادرسی‌هایی که حضور وکلاء الزامی است به طور الکترونیکی و با استفاده از دفتر الکترونیک تبادل اطلاعات نمایند. در این بخشنامه به امکان پژوهش‌خواهی و شرکت کردن در دادرسی از طریق الکترونیک عمومیت داده شده و از سپتامبر همان سال این نوع تبادل اطلاعات از حالت اختیاری خارج شده و الزامی خواهد گردید.^۳ (محسنی، رضایی نژاد، ۱۳۹۱: ۱۱۸) قانونگذار ایران در تبصره ماده (۱۷۵) قانون آئین دادرسی کیفری، تدوین آئین نامه مربوطه را برعهده ریاست قوه قضاییه با پیشنهاد وزیر دادگستری نهاده که تحت عنوان " آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی " در تاریخ ۱۳۹۵/۵/۲۴ به تصویب ریاست وقت قوه قضاییه رسیده و با لازم الاجرا بودن آن در سالهای اخیر تا حدی دادرسی الکترونیکی ساری و جاری شده است. آئین نامه موصوف از باب نحوه اجرای مقررات از جمله الزامی بودن استفاده از سامانه دادرسی الکترونیکی برای کلیه مراجعه کنندگان به دستگاه قضایی، اقدامات اولیه تشکیل پرونده و انجام امور شعب در رسیدگی به پرونده‌ها و ابلاغ الکترونیکی الزاماتی را

1 Logique de moyen

2 Commission européenne pour l'efficacité de la justice (CEPEJ)

3 A. 30 mars 2011 : JO 31 mars 2011, p. 5600



برای دستگاه قضایی و اصحاب دعوی مقرر داشته که با برخی قوانین موضوعه در تعارض و مغایر است. مضاف بر این نحوه تشکیل جلسه دادرسی به نحوه تمام الکترونیک علیرغم اشاره آن در قانون به دلیل ضرورت وجود برخی بایدها بلا تکلیف مانده است. موارد فوق مورد بحث و بررسی قرار گرفته و با تطبیق آنها با قانون فرانسه، راهکار مناسب و عندالزوم پیشنهاد تغییر قوانین ارائه خواهد شد.

۱. جایگاه دادرسی الکترونیکی در فقه و دکترین حقوقی

اساس حکومت اسلامی بر عدل و انصاف نهاده شده و محقق نمی شود مگر با دادرسی عادلانه. « فقه امامیه به عنوان مجموعه ای از متون و قواعد که احکام الزام آور این مکتب را در روابط حقوقی و الزامات ناشی از وقایع حقوقی در معنای اعم بیان می نماید، در قرون نخستین ظهور دین اسلام چندان در اجتماع مسلمانان نمودی نداشته است. حکومت‌های اسلامی تابع قواعد فقه اهل تسنن بوده اند؛ جز در مقاطع تاریخی کوتاهی هیچ گاه تشکیلات دادگستری حتی در شکل سنتی آن محل بحث فقهای امامیه نبوده است. هرچند در متون فقهی موضوعاتی در خصوص ابلاغ و اخطار به خوانده جهت حضور در جلسه محاکمه مطرح شده است. » (رضایی نژاد، ۱۳۹۰: ۷۵، ۱۸۰) اصل تناظر یکی از ملزومات دادرسی عادلانه است، حق شخص در دفاع از خود در نزد عقلاء واجب عقلی است و در صورت فقدان آن حق دفاع در آتی برای غایب متصور است. « امام علی در روایتی می فرماید: هنگامی که پیامبر مرا به سمت یمن فرستادند فرمودند: هر وقت نزد تو دعوا طرح شد، به نفع هیچ یک حکم نکن مگر آنکه دفاع دیگری را بشنوی. » (صدوق، ۱۳۷۸: ۶۵) حرعاملی در حق دفاع غایب از خود آورده است «هرگاه علیه شخص غایب بینه اقامه شود، قضاوت علیه او انجام خواهد شد و مال او فروخته می شود و بدهی او پرداخت می گردد، اما برای شخص غایب پس از حضور حق اقامه دلیل باقی است. همچنین پرداخت بدهی به بستانکاران منوط به اخذ کفیل است.» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۸، ۲۱۶) حرعاملی در روایت محمد بن مسلم آورده است « روایت محمد بن مسلم از امام محمد باقر (ع) است که در این خصوص از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل فرموده اند: "





اذا تقاضی الیک رجلان ، فلا یقضی للاول حتی یسمع من الآخر" به این معنا که هرگاه دو نفر برای قضاوت نزد تو آمدند پس از شنیدن اظهارات یکی از آن‌ها تا سخن و دفاع دیگری را نشنیده ای به نفع اولی حکم نکن . شاید بتوان گفت آنچه که مد نظر پیامبر اسلام بوده است بیان حق مدعی علیه مبنی بر ضرورت اطلاع از ادعای مدعی و حق پاسخگویی اوست نه موکول کردن قضاوت و فصل خصومت بر شنیدن دفاعیات طرف مقابل . چرا که اگر قضاوت موکول به این امر گردد چه بسا برای همیشه در بعضی از موارد امکان صدور حکم فراهم نگردد.» (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۷، ۱۸۵) روایت دیگری در این زمینه از امام صادق (ع) نقل شده است که ایشان فرموده اند: أَنَّهُ كَانَ يَرَى الْحُكْمَ عَلَى الْغَائِبِ وَ يَكُونُ الْغَائِبُ عَلَى حُجَّتِهِ إِنْ كَانَتْ لَهُ فَإِنْ لَمْ يُوثَّقْ بِالْغَرِيمِ الْمَحْكُومِ لَهُ أُخِذَ عَلَيْهِ كَفِيلٌ بِمَا يُدْفَعُ إِلَيْهِ [مِنْ مَالِ الْغَائِبِ فَإِنْ كَانَتْ لَهُ حُجَّةٌ رُدَّ إِلَيْهِ

« معنای روایت فوق این است که اگر حاکم بر ضرر مدعی علیه غایب حکم صادر می کند و حق دفاع را نیز برای او محفوظ می دارد که چنانچه پس از بازگشت دلیلی داشت از خود دفاع کند و چنانچه حاکم با صدور حکم، مالی از غایب به محکمه تحویل نمود و به او اطمینان نداشت در برابر آن مال از وی کفیل می طلبد تا اگر غایب حاضر شد و با دلیل از خود رفع محکومیت نمود مال را از محکوم له گرفته و به وی مسترد نماید. » (نوری ، ۱۴۰۸: ۱۷، ۴۰۰) اساس دادرسی در اسلام بر عقل و خرد استوار است و در همین راستا می توان به حدیث ابی خدیجه اشاره نمود «ان رجلا کتب الی الفقیه علیه السلام فی رجل دفع الیه رجلان شراء لهما من رجل؛ فقالا، لا ترد الكتاب علی واحد منا دون صاحبه فغاب احدهما او توارى فی بینه و جاء الذی باع منهما، فانکر الشراء یعنی القبالة، فجاء الآخر الی العدل، فقال له اخرج الشراء حتی نعرضه علی البینه، فان صاحبی قد انکر البیع منی و من صاحبی، و صاحبی غائب؛ و لعله قد جلس فی بینه یرید الفساد علی فهل یجب علی العدل ان یعرض الشراء علی البینه حتی یشهدوا لهذا؟ ام لا یعجز ذلک حتی یجتمعاً؟ فوقع علیه السلام: اذا کان فی ذلک صلاح امر القوم فلا یأس ان شاء الله....».

به موجب حدیث فوق شخصی طی شرحی خطاب به امام (ع) در مورد قضیه ای کسب تکلیف کرده است؛ قضیه از این قرار است: دو نفر قبالة معامله ملکی را که به صورت





مشترک خریداری کرده بودند و نزد شخصی امانت سپرده‌اند (در حدیث از او خواسته‌اند مادام که هر دو حاضر نباشند، مکتوب را تحویل ندهد شراء به معنای قبالة و از شخص امین به عدل تعبیر شده است) احدی از دو شریک غایب و یا مخفی شده و فروشنده اصل معامله را منکر شده است. شریک دیگر به شخص عدل که قبالة نزد او بوده مراجعه و از او درخواست نموده که قبالة را به رؤیت شهود برساند تا شهود نزد قاضی به وجود قبالة شهادت دهند. موضوع سؤال وظیفه شخص عدل در این موقعیت است که آیا او مجاز به ارائه سند مزبور می‌باشد یا خیر؟ امام در پاسخ مرقوم فرموده است: چنانچه مصلحت امور مردم چنین اقتضا می‌کند، ارائه سند بلا مانع است. این حدیث بسیار جالب است به خصوص ذیل آن که این معنی را کاملاً تأیید می‌کند که قضای اسلامی، کاملاً امری است عقلایی و بر مبنای صلاح زندگی مردم استوار شده است. البته باید توجه داشت که هر چند مضمون این حدیث، استفتایی است که در مورد وظیفه شخص عدل از امام علیه‌السلام شده است و ربطی به وظیفه قاضی ندارد. ولی بی‌گمان باید اذعان کرد که چنانچه این امر برای قاضی هم اتفاق می‌افتاد بدین معنی که به قاضی رجوع می‌شد، قاضی هم به همین صورت قضاوت می‌کرد. به خصوص آن که از ذیل حدیث یک امر کلی و ضابطه همه جانبه استفاده می‌شود. (حرعاملی، ۱۴۱۴: ۱۸، ۲۱۷)

در تعریف دادرسی الکترونیکی برخی با به کارگیری لفظ اطلاعات گفته‌اند «منظور از دادرسی مجازی، الکترونیکی شدن انتقال اطلاعاتی است که در محیط دادگاه وجود دارد و این اطلاعات می‌تواند شامل ادله، دستورات (قرار یا حکم) دادگاه، تصمیم هیأت منصفه، اقاریر متهم، اظهارات شاهد و ... باشد.» (شهبازی نیا، عبدالهی، ۱۳۸۸: ۱۳، ۳۹) باید توجه داشت دادرسی شامل اصول و تشریفات خاص خود است که در روش غیر الکترونیکی توسط مسئولین شعب و ضابطین قضایی انجام می‌شود. در روش الکترونیکی می‌توان پذیرفت برخی از دستورات و اقدامات کاغذی به صورت داده و در بستر مبادلات الکترونیکی منتقل می‌شوند اما به دلیل لزوم ضبط فیزیکی برخی اسناد در پرونده و عدم امکان انجام برخی امور که الزاماً می‌بایست توسط اشخاص صورت گیرد، نمی‌توان گفت دادرسی تمام الکترونیکی محقق شده و در تعریف آن صرفاً به انتقال دادها اشاره نمود. لذا





این نظر که دادرسی الکترونیکی را صرفاً در الکترونیکی شدن انتقال داده‌ها بدانیم صحیح نیست، بلکه انتقال داده‌ها بخشی از یک دادرسی الکترونیکی است. « در قانون آئین دادرسی کیفری آمده است که قوه قضاییه موظف است به منظور ساماندهی ارتباطات الکترونیکی بین محاکم، ضابطان و دستگاه‌های تابعه با به کارگیری (شبکه ملی عدالت) خود و نیز سایر اشخاص حقیقی و حقوقی که در جریان دادرسی به اطلاعات آنها نیاز است تمهیدات امنیتی مطمئن از قبیل امضای الکترونیکی راه اندازی کند. مراجع قضایی نیز می‌توانند استعلامات قضایی و کسب اطلاعات لازم را از طریق شبکه ملی عدالت به عمل آورند. در این صورت دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی غیردولتی و شخصیتهای حقوقی بخش خصوصی موظفند پاسخ لازم را از طریق شبکه مزبور اعلام کنند.» (فیضی، مقدسی، ۱۳۸۳: ۲۲، ۹۸)

برخی دیگر در تعریف دادرسی الکترونیکی آورده‌اند « دادرسی الکترونیکی به معنای دادرسی از طریق امکانات و ابزارهای الکترونیکی است ولی این تعریف برای دادرسی الکترونیکی رویکردی ظاهری و ابزارگرایانه دارد، در حالیکه دادرسی فرآیندی است که نهادها و موضوعات آن به ویژه با محوریت اهداف آن یعنی برقراری نظم و احیای عدالت از ظاهرش بسیار مهمتر است و باید روشن گردد که تعریف دادرسی الکترونیکی از منظر موضوع، فرآیند و نهاد بررسی و تعریف شود. در دادرسی الکترونیکی قرار است موضوع یا محتوای پرونده‌ها به داده تبدیل شوند. بدون داده سازی اطلاعاتی که قبلاً روی کاغذ بوده‌اند و بطور ظاهری در لابلای پرونده‌ها نمود می‌یافته‌اند، نمی‌توان از دادرسی کیفری الکترونیکی سخن گفت پس دادرسی الکترونیکی همان داده‌ای کردن اطلاعات کاغذی و شفاهی (اطلاعات سنتی) مرتبط با پرونده‌ها است. » (موذن زادگان ، روستا ، ۱۳۹۶: ۱۰۰ ، ۱۷۱-۱۷۲) برخی در تعریفی دیگر بیان داشته‌اند «دادرسی الکترونیکی به معنای بهره‌گیری از فناوری اطلاعات در کل امور است . به نحوی که طرح شکایت، رسیدگی به پرونده‌ها، ابلاغ اوراق (اخطاریه، احضاریه و ...) و حتی بعضی از بازجویی‌ها که نیاز به حضور در دادگاه ندارند و از راه دور و از طریق اینترنت انجام می‌شود . به معنای دیگر





حذف کاغذ تا جایی که امکان دارد و استفاده از فضای مجازی اینترنت در عملیات دادرسی را دادرسی الکترونیکی گویند.» (میرزاپور، حیدری، ۱۳۹۲: ۲۷۱)

برخی حقوقدانان معتقدند دادرسی الکترونیکی به دلیل بیان قانونگذار در قانون آئین دادرسی کیفری فقط مختص امور کیفری است. (موذن زادگان، روستا، ۱۳۹۶: ۱۰۰، ۱۹۶-۱۶۹) با مذاقه در تعریف قانونی و عدم توجه قانونگذار صرفاً به امور کیفری و فحوی قانون، امکان تعمیم آن به امور مدنی نیز وجود دارد. به عبارت دیگر نمی توان به صرف بیان ماده ای در یک قانون آنرا مختص اجرا در همان قانون دانست، اصولاً قوانین جزایی و حقوقی دارای مفاهیم منفک شده هستند اما مواد مربوط به دادرسی الکترونیکی در مقام تعیین جرم، مجازات و وضع قاعده ای در حقوق مدنی یا تجارت نبوده و در راستای نحوه بررسی به آنها نیز برنیامده است بلکه اصول بیان شده بصورت عام و امکان تعمیم آن به دعاوی حقوقی نیز امکان پذیر است، همچنان که در حال حاضر دستگاه قضایی دادرسی الکترونیکی و مقدمات آنرا در کلیه دعاوی اجرا می کند.

۲. لزوم رعایت تشریفات و اصول دادرسی در دادرسی الکترونیکی

باید توجه داشت اصول دادرسی از تشریفات آن متمایز است. اصول دادرسی در معانی مختلفی از جمله راجح، قاعده و استصحاب بکار برده اند اما مقصود از اصول دادرسی معانی فوق نیست « به عبارتی اصول دادرسی آن چنان پر اهمیت اند که واقعیت حیات دادرسی را به جلو می رانند. » (Jean Vincent, 2003:483) اصول دادرسی همان اصول کلی حقوقی بوده و مورد قبول اکثر نظامهای حقوقی واقع شده اند. در تعریفی دیگر «ایده اصولی که مجموعه مواد قانونی حول آن ارایه می شود.» (بولانژه، ۱۳۷۵: ۳۶، ۷۳)

برخی از اصول دادرسی ممکن است از اصول کلی حقوقی باشند. در تعریف این اصول آورده اند « اصول کلی حقوقی قواعدی کلی اند که در تمام نظامهای حقوقی پذیرفته شده اند. این اصول که شامل اساسی ترین احکام حقوقی است بر تمام احکام جزئی تر حقوق حاکم اند. » (جعفری تبار، ۱۳۹۳: ۱۹۸) از ویژگیهای این اصول می توان به دائمی و انتزاعی بودن آنها اشاره نمود. « مقصود از انتزاعی بودن اصول حقوقی آن است که در





عالم ذهن قابل تصوراند، اگرچه در عالم عین مصادیق آن دیده می‌شود. به عبارت دیگر این اصول مجرد از عین اند. از اصول کلی حقوقی، می‌توان اصول برابری را نام برد که صرف نظر از عینیات در عالم انتزاع و ذهن قابل تصور است. اصول دیگری همچون حق دفاع، اصل تناظر و بی‌طرفی، اگرچه در عالم ذهن و مجردیات قابل درک اند ولی کمتر انتزاعی اند و بیشتر قابل لمس. درجه تجریدی بودن اصول کلی حقوقی، یکسان نیست. (صادقی، ۱۳۸۴: ۳۶) تشریفات دادرسی بر خلاف اصول به تناسب زمان و محل اجرا قابل تغییر بوده و می‌توان به اقتضاء آنها را تغییر داد. در تعریف تشریفات دادرسی آورده اند «مقررات شکلی که صرفاً جنبه تشریفاتی دارند و به آسانی می‌توان آنها را حذف و تعدیل کرد و مقررات کلی دیگر که به بیخ و بن خود مساله عدالت مربوط می‌شوند و حفظ آنها از نظر اجرای عدالت واقعی و ضروری است.» (صانعی، ۱۳۸۱: ۳۹۳) باید توجه داشت این تغییر نیز تابع قوانین و مقرراتی بوده و در هر زمان اصول و تشریفات قانونی لازم الاجرا رعایت نشود از موجبات بی‌اعتباری روند رسیدگی خواهند بود. برخی معتقد به تشریفات زدایی در دادرسی الکترونیکی هستند» در این معنا دادرسی بر پایه مجموعه ای از مقررات از پیش مقرر و معلوم انجام می‌شود که ضامن امنیت و طمانینه هستند و مانع هرج و مرج و بی‌بند و باری در دادرسی می‌شوند. مقصود از تشریفات زدایی حذف تشریفات حقوقی و مادی از آئین دادرسی است. به این منظور، تشریفات را می‌توان از منظر قانونی و مادی به دو دسته تشریفات حقوقی و تشریفات مادی تقسیم نمود اگر چه تجویز مورد اخیر نیز ریشه در حکم قانون دارد. بر این اساس، هنگامی که در قوانین دیده می‌شود که مقنن به دلایلی همچون افزایش سرعت دادرسی و کاستن از هزینه اقتصادی متداعیین از عبارت " بدون رعایت تشریفات " استفاده می‌کند. (محسنی، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۳، ۱۹۳-۱۹۲) با مذاقه در نظریات پیش گفته، در دادرسی الکترونیکی رعایت اصول دادرسی از جمله ترافیعی و علنی بودن و تشریفات دادرسی از جمله قرارهای تامین کیفری و اصلاح رای ضروری است اما باید توجه داشت دادرسی الکترونیکی در مقام تغییر ماهیت اصول و تشریفات رسیدگی نیست بلکه نحوه اجرا و رعایت آنها را به چالش کشیده است.





از مصادیق دیگر دادرسی عادلانه اصل علنی بودن دادرسی است. در دادرسی علنی علاوه بر طرفین، اشخاص عادی و خبرنگاران نیز می‌توانند حضور داشته باشند که لازمه آن اطلاع از جلسه دادرسی است. «اصل علنی بودن دادرسی یکی از معیارهای اساسی و بنیادی دادرسی منصفانه است. منظور از آن، حضور آزادانه افراد در جلسات دادرسی، مشاهده اجرای دقیق قوانین و حصول اطمینان از بی‌طرفی دادرسان و وجود عدالت واقعی است.» (آخوندی، ۱۳۸۱: ۲۷۳) «بجاست در جلسه رسیدگی، گروهی از دانشمندان شیعه و یک تن از هر یک از مکاتب فقهی اهل سنت حضور داشته باشند تا چنانچه مسئله ای پیش آید، قاضی در صورت نیاز از آنها سوال کند.» (طوسی، ۱۳۸۷: ۹۰) «قاضی به دانشمندان فرمان می‌دهد تا هنگام دادرسی در دادگاه حاضر باشند تا در صورتیکه خطایی از وی سرزند، او را آگاه سازند و اگر مشکل علمی برای او پیش آمد از آنان توضیح بخواهد.» (حلی، ۱۴۱۳: ۳، ۴۲۸) «علاوه بر متون فقهی سیره پیامبر (ص) و سیره قضایی امیر المومنین (ع) مهمترین دلیل بر لزوم علنی بودن محاکمه در نظام کیفری اسلام است. تاریخ دادرسی اسلامی گواهی می‌دهد بیشتر دادرسی‌ها در صدر اسلام در حضور عموم مردم انجام می‌شد. مولفان نظام دادرسی اسلامی از رفتار علوی در دادرسی، چنین استنباط کرده‌اند که فلسفه برگزاری جلسات دادرسی در مسجد، رعایت اصل علنی بودن رسیدگی و تسهیل حضور مردم در جلسه محاکمه بوده است.» (موسوی، ۱۴۱۹: ۱۱۴)

۳. متولی دادرسی الکترونیکی

بر خلاف دادرسی غیرالکترونیکی که متولی آن در هر حوزه قضایی، دادگاه مستقر در آن حوزه می‌باشد، در سامانه دادرسی الکترونیکی متولی اجرای تشریفات آن مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه در سطح کشور است. در این شیوه دادرسی کلیه امور از طریق سامانه خدمات الکترونیک (سختا) صورت می‌گیرد.

در دادرسی غیرالکترونیکی امور اجرایی هر حوزه قضایی توسط مسئولین مربوطه و به روش کاغذی صورت می‌گرفت اما در سامانه دادرسی الکترونیکی کلیه امور مربوطه توسط همان اشخاص در سامانه یکپارچه‌ای که توسط مرکز آمار و فناوری اطلاعات





طراحی و راه‌اندازی شده صورت می‌گیرد. کلیه تشریفات بصورت متمرکز از طریق سامانه و در پایگاه داده‌ای آن ذخیره و بصورت همزمان قابل رویت و کنترل می‌باشد، تنها موردی که از اختیارات حوزه‌های قضایی خارج شده ابلاغ الکترونیکی است. انجام این نوع ابلاغ منوط به ثبت نام و ایجاد حساب کاربری برای مخاطب ابلاغ بوده و در صورت عدم انجام این امر، ابلاغ به شیوه غیرالکترونیکی و کاغذی انجام می‌شود. در صورت دارا بودن حساب کاربری توسط مخاطب ابلاغ، ارسال ابلاغیه توسط شعبه از طریق سامانه سراسری ابلاغ الکترونیکی صورت گرفته و این امر از صلاحیت مامورین ابلاغ مستقر در حوزه قضایی خارج و بر اساس مقررات مربوطه انجام خواهد شد.

۳-۱. متولی انجام ابلاغ الکترونیکی

بر خلاف مفاد مبحث دوم از فصل سوم قانون آئین دادرسی مدنی در طراحی سامانه ابلاغ الکترونیکی و استفاده از مادتين (۶۵۰) و (۶۵۲) بخش نهم قانون آئین دادرسی کیفری و بندهای الف، ج و ح ماده (۱) آئین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی و بندهای ماده (۳۸) قانون اجرای احکام دائمی برنامه های توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵، مامور ابلاغ شخصیت حقوقی زیر مجموعه قوه قضاییه (سازمان آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه) با استفاده از بستر ملی عدالت می‌باشد. بند الف ماده (۱) آئین نامه، ایجاد مرکزی تحت عنوان مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه را بیان و شرح وظایف این مرکز را در ماده (۲)، ایجاد سامانه های رایانه ای لازم جهت فراهم ساختن امکان طرح دعوا یا شکایت، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و نیابت قضایی بصورت الکترونیکی تعریف نموده و امکان طرح دعوی حقوقی و کیفری وفق ماده ۵ از طریق سامانه خدمات الکترونیکی (سجا) با توجه به تعریف بند ت ماده (۱) از وظایف دیگر این مرکز می‌باشد. در ماده (۱۷۶) قانون آئین دادرسی کیفری، ماده (۲۳) آئین نامه و تبصره (۲) ماده (۶۵۵) قانون آئین دادرسی کیفری در بحث دادرسی الکترونیکی، امکان انجام این روش نوین ابلاغ توسط بخش خصوصی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. در حال حاضر انجام امور مربوط به طرح دعوی و سایر موارد از طریق دفاتر خدمات الکترونیکی قضایی به بخش خصوصی واگذار شده اما ابلاغ اوراق قضایی کماکان توسط





مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه انجام می پذیرد. نظام حقوقی فرانسه مامورین ابلاغ را تحت مقررات مختص مربوطه دانسته و با تشکیل اتاق ملی مأموران ابلاغ و اجرا این مهم را بر عهده آنها نهاده است. نظر به اختیارات خاص و ویژه مامورین ابلاغ در نظام حقوقی فرانسه و حل و فصل اکثر دعاوی در این اتاق قبل از مراجعه به دادگاه، مامورین ابلاغ و اجرا به مانند وکیل و قاضی در حل و فصل اختلافات دارای اختیارات و صلاحیتهای خاص می باشند^۱؛ مراتب فوق به نوعی در ماده (۱) قانون شوراهای حل اختلاف مورد اشاره قرار گرفته و می توان گفت یکی از اهداف تشکیل آن حل و فصل دعاوی قبل از مراجعه به محاکم است. برخی از تکالیف مامور ابلاغ در قانون آئین دادرسی مدنی با توجه به ماده (۱۷۷) قانون آئین دادرسی کیفری، در ابلاغ الکترونیکی ملغی شده است، از جمله مهمترین آنها می توان به لزوم اخذ رسید از مخاطب و قید امتناع او از گرفتن اوراق (ماده ۶۸) ابلاغ به بستگان یا خادمان (ماده ۶۹) اعلام استتکاف از گرفتن اوراق توسط مخاطب یا بستگان و الصاق در محل (ماده ۷۰) عدم شناسایی نشانی (ماده ۷۲) ابلاغ به اهالی معین اعم از ده یا شهر یا بخش (ماده ۷۴) یکسان بودن نحوه ابلاغ به اشخاص حقیقی و حقوقی (ماده ۱۰ آئین نامه)، اشاره نمود.

امکان ابلاغ در روز ارسال آن در سامانه ابلاغ الکترونیکی نیز مانع از طولانی شدن این روند ابلاغ نشده، همچنان که متولیان امر (مسئولین شعبه) به دلیل کثرت پرونده ممکن است این مهم را با تاخیر انجام دهند. قانونگذار فرانسه در قانون آئین دادرسی مدنی اختیار ویژه ای برای وکلا در ابلاغ در نظر گرفته است. وکلا جهت ابلاغ اوراق به یکدیگر می توانند به مامور ابلاغ رجوع نموده (ماده ۶۷۲) یا خود شخصا به وکیل دیگر مراجعه و اوراق را ابلاغ نمایند (ماده ۶۷۳) بر اساس ماده ۶۷۱ ابلاغ به وکلا از طریق پست انجام نمی شود. «باری، قانونگذار فرانسوی به وکلای دادگستری اجازه داده در موارد مذکور در امر ابلاغ مداخله مؤثر نموده تا فرآیند ساده تر شود.» (Lamarche, 2015 : 225)





۴. نحوه انجام دادرسی الکترونیکی بر اساس قوانین

بند ت ماده (۱) آیین نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی برخی انواع خدمات قضایی در دادرسی الکترونیکی اعم از طرح دعوا یا شکایت، اعلام جرم، ارسال لوایح، ابلاغ اخطاریه‌ها و احضاریه بیان نموده و در ماده (۲) مرکز را موظف به طراحی سامانه به نحوی که امکان طرح شکایت و دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و نیابت قضایی مهیا باشد نموده و مراکز قضایی و ضابطین را مکلف به استفاده از این سامانه نموده است.

۴-۱. ثبت الکترونیکی پرونده، اظهارنامه و لایحه

به مانند شیوه غیر الکترونیکی طرح دعوی، صحت اطلاعات ارائه شده توسط خواهان یا شاکی از جمله نشانی، مشخصات طرف دعوی و اطلاعات هویتی و ارتباطی مفروض است. تصویر ضmann نیز پس از تصدیق آنها توسط وکیل یا ارائه اصول آنها توسط شخص عادی به دادخواست یا شکواییه الکترونیکی (اعم از دعاوی بدوی، اعتراضی و طاری) منضم و پس از پرداخت الکترونیکی هزینه‌های مربوطه، به مجتمع قضایی ذیصلاح ارسال می‌شود. ثبت و ارسال اظهارنامه به مخاطب و ارسال لایحه به شعبه رسیدگی کننده به پرونده نیز به روش فوق صورت گرفته و تشریفات ثبت الکترونیکی کلیه موارد بر اساس دستورالعمل‌های تدوین شده و در سامانه خدمات الکترونیک قضایی صورت می‌گیرد.

۴-۲. نحوه رسیدگی به پرونده‌ها

به جز تشکیل فیزیکی به پرونده نظر به ضرورت ثبت اصول برخی از اسناد، سایر اقدامات اعم از مکاتبات، اخطاریه‌ها و تعیین اوقات دادرسی به شیوه نیمه الکترونیکی صورت می‌گیرد، مهمترین چالش در دادرسی تمام الکترونیک برگزاری جلسه دادرسی و تشریفات آن از جمله حضور طرفین دعوی در جلسه، احراز هویت ایشان، ارائه مستندات و استماع شهادت شهود می‌باشد.





۳-۴. دادرسی تمام الکترونیکی

در صورت تحقق این مهم که هدف و غایت یک دادرسی است، علاوه بر تسهیل دسترسی افراد به سامانه قضایی در محل خود و کاهش سفرهای درون و برون شهری، در روند رسیدگی نیز تسریع خواهد شد.

از فحوای فصول سوم و چهارم باب سوم قانون آئین دادرسی مدنی مواد (۱۷۸- ۱۸۵ - ۱۸۶ - ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۲) و سایر مواد قانون آئین دادرسی کیفری می‌توان پی‌برد جلسه رسیدگی در محل دادگاه تشکیل می‌شود. دادرسی تمام الکترونیکی را می‌توان در دو فرض متصور شد، فرض اول محلی در دادگاه محل سکونت شخص برای این امر در نظر گرفته شده که تحت نظارت مقامات قضایی امکان برگزاری جلسات دادرسی را مهیا می‌سازد و فرض دوم شرکت شخص در جلسه دادرسی از محل سکونت خود.

اولین مقدمه تشکیل جلسه دادرسی با حضور اصحاب دعوی، احراز هویت است به عبارت دیگر اصیل و وکیل پرونده باید مدارک هویتی خود را برای شناسایی به قاضی ارائه نمایند. در دادرسی تمام الکترونیکی احراز هویت یک چالش مهم به حساب می‌آید. چالش دیگر ارائه اسناد، مدارک و لوایح در حین دادرسی است. مفاد ماده (۹۶) قانون آئین دادرسی مدنی در لزوم ارائه اصول اسناد توسط طرفین در دادگاه و حق انکار و تردید نسبت به سند توسط طرف مقابل که لازمه آن رویت اصل آن می‌باشد، در دادرسی تمام الکترونیکی چالش دیگری است. ماده (۱-۱۳۱۶) قانون مدنی فرانسه نوشته‌های الکترونیکی را در حکم کاغذی قلمداد نموده و ماده (۵) آئین‌نامه راجع به تجزیه و تسلیم و انتقال دادخواست‌ها، لوایح و ابلاغ تصمیمات از طریق الکترونیک مصوب ۲۰۰۵ و اصلاحات بعدی آن، دادخواست‌ها و لوایح ارسالی به دادگاه به طریق الکترونیک توسط طرفین یا وکلای آنان مطابق اصول پیش‌بینی شده در بخشنامه مذکور در بند ۲ ماده توسط مسئولین مربوطه گواهی می‌شوند. این گواهی در حکم امضاء در اجرای مواد قانون دادگستری اداری است و در هر صورت بند (۲) ماده (۵) مقرر داشته رئیس دادگاه یا شورای اداری می‌تواند از شخص ذینفع بخواهد نسخه‌ای از دادخواست یا لایحه‌ای را که امضای دستی او بر روی آن درج شده، ارائه دهد.





استماع شهادت شهود و احراز شرایط مقرر برای شاهد در مادتين (۱۳۱۳) قانون مدنی و (۱۷۷) قانون مجازات اسلامی با توجه به اینکه شهادت جزء ادله اثبات دعوی است، چالش دیگری در جهت احراز شرایط شهود و کشف حقیقت از طریق جلسه الکترونیکی است. نظر به اینکه احراز شرایط مقرر قانونی شاهد توسط قاضی صورت می گیرد، این امر به هر روش اعم از دادرسی سنتی یا الکترونیکی که محقق شود، شهادت معتبر و قابل استناد خواهد بود زیرا لازمه اعتبار شهادت احراز شرایط توسط قاضی بوده و روش احراز شرایط تأثیری در اعتبار شهادت نخواهد داشت.

برگزاری جلسه دادرسی الکترونیکی صرفاً شامل جرائم و دعاوی مربوط به قانون تجارت الکترونیکی نبوده و این روش دادرسی شامل کلیه دعاوی اعم از حقوقی و کیفری و در کلیه دعاوی متصور است. قانونگذار با وضع مواد (۶۴۹) الی (۶۶۳) بخش نهم قانون آئین دادرسی کیفری، سعی در تبیین این روش رسیدگی داشته اما بیشتر به نحوه جمع آوری ادله الکترونیکی پرداخته است تا برگزاری جلسات دادرسی. ماده ۶۵۹ قانون مارالذکر یکی از موادی است به مهمترین بخش از دادرسی الکترونیکی همان برگزاری جلسه می باشد، پرداخته است. ماده امکان بکارگیری سامانه‌های ویدئو کنفرانس و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی را در صورتی مجاز می‌داند که احراز هویت و اعتبار اظهارات افراد و ثبت مطمئن سوابق صورت گیرد. ماده در رابطه با نحوه و چگونگی تشکیل جلسه از طریق ویدئو کنفرانس و احراز هویت و ثبت مطمئن سوابق و نگهداری آنها ذکری به میان نیاورده و نحوه انجام آن را نیز منوط به تدوین آئین‌نامه ننموده است. لازمه ثبت سوابق بصورت مطمئن به شکل الکترونیکی مستلزم وجود سامانه ای است که با توجه به قواعد مقرر در قانون تجارت الکترونیکی ایجاد و ثبت و نگهداری سوابق از آن طریق صورت گیرد. «در حقوق فرانسه مدت زمان نگهداری از اصول اسناد الکترونیکی برابر با مدت نگهداری از اسناد کاغذی است که با توجه به موضوع اسناد و با در نظر گرفتن مدت مرور زمان یا به موجب قانون تعیین می‌شود. بنابراین در مسائل تجاری مدت نگهداری از اصول داده پیام ۱۰ سال و در امور مدنی ۳۰ سال است. در خصوص قراردادها با توجه به قانون ۲ فوریه ۲۰۰۵ مدت نگهداری قراردادها ۱۰ سال از تاریخ انعقاد است.» (Feral , 2006)



443-446) « در سال ۲۰۰۰ کارشناسان کشورهای گروه ۸ شامل کانادا ، انگلستان ، فرانسه ، آلمان ، ایتالیا ، ژاپن ، روسیه و ایالات متحده آمریکا پیشنهاد کردند که در ارائه دلایل دیجیتال ، به ۶ اصل توجه شود : رعایت تشریفات قانونی برای ارائه دلیل ، تضمین عدم خدشه و تغییر در دلایل ، امکان استناد به آنها برای ذینفع ، مستند بودن هرگونه اراده ، دسترسی ، ذخیره سازی یا انتقال دلایل دیجیتالی ، توجه به مسئولیت پردازش دلیل الکترونیکی. در سال ۲۰۰۵ وزارت امنیت عمومی چین نیز به موجب یک آئین نامه اجرایی ، اصول مشابهی را به عنوان اصول حاکم بر ارائه و بررسی دلایل دیجیتالی مقرر نمود .» (Baosheng , 2010 : 143)

۴-۴. امضاء الکترونیکی

انجام امور مربوط به پرونده های قضایی در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، درج امضای شخص در ذیل برگه که دلالت بر انتساب سند به او دارد ضروری است. علاوه بر این درج امضای مسئولین شعب و قاضی در دستورات و اقدامات معمول علاوه بر متناسب آنها به شخص امضاء کننده، اجرای آنرا برای مخاطب اقدام یا دستور الزامی می نماید. باید توجه داشت هر اقدام قضایی مستلزم اخذ دستور از مقام قضایی است . در روش سنتی این دستور توسط شخص قاضی تحریر و به امضاء وی می رسد. در سیستم دادرسی الکترونیکی بالتبع کلیه دستورات قاضی نیز از طریق سامانه صورت می گیرد. لذا امضاء قاضی می بایست بصورت الکترونیکی در دستور درج شود . این امضاء در سامانه مدیریت پرونده قضایی (سمپ)، درج و قابل استناد است . «هر چند که در قانون در مورد امضای الکترونیکی اشخاص تصریح شده اما در مورد امضای الکترونیکی قضات مطلبی ذکر نشده است. در حالی که به دلیل اعطای برخی مجوزهای کلی توسط قانون، انشای رأی توسط قضات هم می تواند شامل این موارد باشد و امضای الکترونیکی قاضی نیز در ذیل آن آمده و از همان طریق نیز به طرفین و وکلای پرونده ابلاغ شود. گروهی معتقدند که روح حاکم بر دادرسی الکترونیکی، نشان دهنده اعطای مجوزهایی در مورد برخی قواعد سنتی حاکم بر دادرسی بوده که بر اساس آن، لازم نیست حتماً به صورت سنتی باشد که از جمله این موارد ابلاغ است که دارای مقررات خاصی است.» (اصلائی، ۱۳۸۴ : ۳۰۶) الزامات آئین نامه یا





قانون نمی تواند مقررات آمره را نقض یا تغییر دهد، به عبارت دیگر نسخ یا تغییر قانون، نیازمند قانون دیگری با رعایت تشریفات تصویب آن به همراه نسخ ضمنی یا صریح است. روح حاکم بر دادرسی الکترونیکی می تواند در تغایر با اصول و تشریفات دادرسی باشد اما این مغایرت الزاماً به معنی نفی این دسته از اصول و تشریفات نیست و لازمه آن تغییر قوانین است.

۴-۵. سند الکترونیکی

یکی از الزامات دادرسی الکترونیکی اسناد مورد استفاده در آن و مورد استناد طرفین است. اعتبار این اسناد از حیث دلیل یا اماره بودن، اعتبار آنها از جنبه سند عادی یا رسمی بودن و در حکم آن به مانند دادرسی غیر الکترونیکی حائز اهمیت است. نحوه ارائه این اسناد در جلسه دادرسی الکترونیکی و احراز اصالت و اعتبار و میزان ارزش اثباتی آن توسط مقام قضایی تأثیر به سزایی در روند رسیدگی خواهد داشت. این دسته از اسناد دارای ماهیت و شکلی متفاوت از اسناد فیزیکی می باشند اما اعتبار آنها به مثابه اسناد کاغذی است. این مهم در مواد (۶-۷-۸-۱۲-۱۳-۱۴ و ۱۵) قانون تجارت الکترونیکی مورد اشاره قرار گرفته و احراز اصالت آنها از حیث محتویات، امضاء و تعهدات در حکم سند و اجرای مفاد آن در صورتیکه داده پیام به شیوه مطمئن تولید و نگهداری شده باشد، معتبر و قابل استناد در مراجع قضایی بوده و در خصوص داده پیام مطمئن به مانند اسناد رسمی فقط ادعای جعل را نسبت به آن مسموع دانسته است. لذا می توان گفت این اسناد دارای اعتبار واحد با اسناد کاغذی هستند. «نرم افزار یا سخت افزار الکترونیکی به عنوان اوضاع و احوال خارجی ممکن است در پرونده های قضایی و به ویژه کیفری مورد استناد قرار گیرد و در این صورت مانند هر امر خارجی دیگری می تواند تشکیل قرائن و امارات دهد و در نتیجه به عنوان دلیل مورد پذیرش واقع گردد و از این حیث بین این دلایل و سایر امارات تفاوتی نیست تا خصوصیتی اقتضاء مطالعه ویژه چنین ادلهای داشته باشد. لکن به موجب قانون اخیرالتصویب (قانون تجارت الکترونیکی) در صورت مفید علم بودن برای قاضی اعتبار خواهند داشت.» (زرکلام، ۱۳۸۲: ۱۳) «در اماره یا دلیل بودن سند الکترونیکی اختلاف نظر است. وفق تعریف اماره در ماده (۱۳۲۱) قانون مدنی نوعی





دلیل محسوب می‌شود بنابراین در تعریف اماره می‌توان گفت که اماره دلیل ظنی برای اثبات موضوعی حق است.» (اخلاقی، ۱۳۸۵: ۱۶۸) در معنای عام، تعریف ماده (۱۲۸۴) قانون مدنی شامل هر نوع نوشته‌ای می‌شود اعم از اینکه نوشته از چاپ اطلاعات رایانه‌ای و دلیل الکترونیک حاصل شده باشد. مادتين (۶ و ۱۲) قانون تجارت الکترونیک به این امر اشاره داشته و آنرا دلیل قلمداد نموده است. «پیکره‌ی اصلی قوانین را در موضوع تجارت- الکترونیکی، بحث اعتبار نوشته و امضاء الکترونیکی تشکیل می‌دهد.» (کوهن، ۱۳۸۳: ۲، ۶۸) نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷/۵۲۹۴ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۴ در نوشته تلقی شدن اطلاعات رایانه‌ای تردید داشته اما پس از تصویب قانون تجارت- الکترونیکی و تصریح قانونگذار به این مهم، دیگر جای مباحثه نیست.

قدرت اثباتی ادله الکترونیکی مانند اسناد عادی بوده و در صورت ایجاد یک داده‌پیام بر اساس شرایط مقرر قانونی در ماده (۱۵) داده پیام مطمئن، آنرا در زمره اسناد رسمی تلقی و بر اساس ماده (۱۲۹۲) قانون مدنی صرفاً ادعای جعل نسبت به آنها مسموع است. ارائه خدمات توسط بخش خصوصی تحت عنوان دفاتر خدمات الکترونیک قضایی زیر مجموعه مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضاییه و تشکیل آنها بر اساس قوانین مصوب یا آئین نامه های دولتی که در حکم قانون می باشند صورت می گیرد لذا می توان اسناد تنظیمی این دفاتر را در زمره اسناد رسمی موضوع ماده (۱۲۸۷) قانون مدنی برشمرد. « بنابراین با مشخص شدن ارزش این ادله، در حل تعارض دلایل سنتی با الکترونیکی قاضی با تمسک به همان اصول و قواعد کلی حاکم بر تعارض دلایل سنتی حل تعارض می‌کند. بنابراین اگر دلیل الکترونیکی مطمئن با اسناد عادی سنتی در تعارض باشد، دلیل الکترونیکی که در حکم سند رسمی است مقدم می‌شود و اگر همان دلیل با اسناد رسمی معمولی در تعارض قرار گیرد، با توجه به اختیاری که قاضی در کشف حقیقت دارد با عنایت به ماده (۱۳) قانون تجارت الکترونیکی و رعایت قواعد عمومی در این باره تصمیم‌گیری می‌کند.» (موذن زادگان، شایگان، ۱۳۸۸: ۴۸، ۸۶)



۵. اجباری یا اختیاری بودن دادرسی الکترونیکی

هرچند استفاده از این روش دادرسی مزایایی به همراه داشته اما قطعا یکی از معایب آن هزینه های مازاد بر دادرسی است. به عبارت دیگر فراهم نمودن زیر ساختها، مستلزم هزینه از سوی ارائه دهندگان خدمات بوده و استفاده از آن برای اشخاص و اصحاب دعوی مستلزم پرداخت هزینه از باب تامین سخت افزار، نرم افزار و اشتراک شبکه است. اجباری نمودن استفاده از این سامانه در فرض صحت کارکرد آن علاوه بر اینکه طرف دعوی را مجبور به پرداخت هزینه می نماید ممکن است به دلیل عدم اطلاع و آگاهی از نحوه کارکرد این نحوه از دادرسی موجب تضییع حق وی شود. اختیاری بودن آن به معنای انتخاب این روش دادرسی توسط طرفین دعوی نیز می تواند موجب اختلال در روند رسیدگی ها باشد. « بر اساس مطالعات انجام شده در کشورهای فرانسه، ایتالیا، آلمان، ایالات متحده آمریکا و انگلستان، بیشتر این کشورها بر ماهیت اختیاری بودن استفاده از روشهای الکترونیکی در جریان دادرسی تاکید دارند.» (Fernando، Gascon، 2010 : 55) نمونه آن را می توان در دادگاههای ایالت میشیگان در ایالات متحده مشاهده نمود. « البته وضعیت اخیر (اختیاری بودن دادگاه) مرتبط با زمانی است که دادرسی الکترونیک و وجود دادگاه های کاملا الکترونیک، تازه در حال شکل گیری بوده است؛ این روند با توسعه دادگاههای الکترونیک حداقل در برخی ابعاد، حتی در دعاوی مدنی به سمت اجباری بودن پیش می رود. نمونه آن در پرونده های الکترونیکی می باشد که امروزه در اکثر دادگاههای آمریکا به طور الکترونیکی می باشد.» (مهرافشان، ۱۳۹۰، ۵ : ۱۲۴) در این روش ظرف ۱۴ روز از ثبت دعوا از طرفین سوال می شود آیا می خواهند دادرسی الکترونیکی حاکم باشد یا خیر، اگر هر دو طرف این روش دادرسی را پذیرفتند قواعد آن بر آنها حاکم می شود. البته با توسعه دادگاههای الکترونیکی در برخی ابعاد، در دعاوی مدنی به سمت اجباری بودن می رود. طبق آئین نامه شماره ۲۲۲-۲۰۰۵ مورخ ۱۰ مارس ۲۰۰۵ نگارش کنترل شده در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۱ در حقوق فرانسه بر ماهیت اختیاری و مبتنی بر رضایت استفاده از روشهای الکترونیکی در دادرسی اداری تاکید شده است. از سوی دیگر این رضایت و اختیار با استفاده وکیل یا طرف دعوا از روشهای الکترونیکی مفروض تلقی می شود. ماده (۱۷۵)





قانون آئین دادرسی کیفری استفاده از سامانه دادرسی الکترونیک را بلامانع دانسته است. از بلامانع بودن انجام یک امر نمی توان لزوم استفاده از آنها را تلقی نمود اما متأسفانه ریاست محترم قوه قضاییه وقت در تصویب آئین نامه موضوع تبصره ماده فوق الذکر تحت عنوان " آیین نامه نحوه استفاده از سامانه های رایانه ای یا مخابراتی " مصوب ۱۳۹۵ به نحوی عمل نموده اند که استفاده از این سامانه برای کلیه اشخاص و اصحاب دعوی الزامی و در مواد (۹-۱۱) و (۱۵) آن کلیه اشخاص مراجعه کننده به دستگاه قضایی را مکلف به استفاده از این سامانه نموده است.

۶. ابلاغ الکترونیکی

ابلاغ اوراق قضایی یکی از بزرگترین چالشها در سیستم قضایی بوده و تاریخ ابلاغ آغاز مهلت های قانونی برای مخاطب بوده و از زمان ابلاغ می تواند نسبت به احقاق حق خود اقدام نماید. می توان ابلاغ را یکی از قواعد موجد حق دانست؛ ایجاد کننده حق در اعتراض به احکام و قرارها، حق دفاع از خود و ارائه مستندات در جلسات رسیدگی و حق استفاده از مهلت های قانونی از تاریخ ابلاغ که می تواند به احقاق یا تضییع حق شخص منجر شود. با ایجاد شیوه های نوین ارتباطی، الکترونیکی بودن نحوه اجرای این قانون خود رویارویی جدیدی با نظام سنتی دادگستری از باب نحوه ابلاغ توجهاً به منسوخ شدن ابلاغ به بستگان و سایر اشخاص در مواد قانونی، تاریخ و سابقه ابلاغ از جهت درج در سامانه و مشاهده مخاطب و وجود دو تاریخ ابلاغ و الزامی بودن آن است.

شرع مقدس نیز به این مقوله پرداخته و اعتبار زیادی برای آن قائل است. خداوند در قرآن کریم سوره مائده آیه (۶۷) می فرماید: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ». ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای! خداوند تو را از (خطرات احتمالی) مردم، نگاه می دارد و خداوند، جمعیت کافران را هدایت نمی کند. در این آیه خداوند به پیامبر خود امر به ابلاغ وحی نموده است و چنانچه پیامبر از امر ابلاغ سرباز زند، گویی رسالت ایشان به اتمام





نرسیده است. لذا می توان استنباط کرد که امر ابلاغ در فقه اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار می باشد. حال به بررسی چگونگی امر ابلاغ در قضاوت به عنوان بخشی مهمی از فقه اسلامی پرداخته می شود. اگر در قضاوت به مدعی علیه ابلاغ جهت رسیدگی صورت نپذیرد حق دفاع از وی سلب می گردد و این در حالی است که خداوند در قرآن کریم آیه (۵۸) سوره نساء می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا». خدا به شما فرمان می دهد که سپرده ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می کنید به عدالت داوری کنید در حقیقت نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد خدا شنوای بیناست. در این آیه قضاوت میان مردم (اشخاص) به عدالت، هم پایه اصل امانت داری و پندی سودمند از جانب پروردگار تلقی گردیده است. در این آیه کلمات حکمت بین الناس به کار رفته است. پس می توان گفت قضاوت امری است بین افراد (بیش از یک نفر) و این تلویحا اشاره به حضور اشخاص در محکمه دارد و این حضور قطعا باید با اطلاع قبلی (ابلاغ) صورت پذیرد تا افراد بتوانند در جلسه رسیدگی حاضر شوند و به دفاع از حقوق خود بپردازند. پس اگر ابلاغ صورت نپذیرد، امکان دفاع از شخص سلب گردیده و این امر با دستور صریح خداوند در آیه فوق (تحکموا بالعدل) منافات دارد و سبب بی اعتباری رای و حکم صادره می گردد.

قاعده ملازمه، قاعده ای است که در بین متکلمین و فقهای اسلام مطرح گردیده و مورد پذیرش معتزله و شیعه قرار گرفته است. اصل «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» بیان می دارد: هر گاه عقل به صورت مستقل فعلی را حسن یا قبیح دانست یا فعلی را دارای مصلحت و مفسده دانست، کشف می شود که شارع مقدس نیز نسبت به آن فعل، حکم امر یا نهی دارد. از حکم عقلی به حکم شرعی منتقل می شود. هنگامی که به مدعی علیه ابلاغ صورت نگیرد وی امکان حضور در دادگاه و دفاع از اتهام انتسابی را نخواهد داشت. پس عقل حکم می کند که به وی امر ابلاغ صورت پذیرد. حال که ابلاغ قضایی حکمی عقلی تلقی شد پس حکمی شرعی نیز محسوب می گردد.





۶-۱. الزامی بودن استفاده از سامانه ابلاغ الکترونیکی

مواد (۹ - ۱۱) و (۱۵) آئین نامه ، مرکز را موظف به ایجاد حساب کاربری برای کلیه اصحاب دعوا ، وکلا ، کارشناسان ، نمایندگان قانونی متهم ، خوانده ، وثیقه گذار ، کفیل ، شاهد ، داور و دیگر اشخاص مرتبط نموده و متقابلاً با تکلیف نمودن به اشخاص مذکور در ایجاد حساب کاربری ، آنها را ملزم به استفاده از سامانه خدمات قضایی برای انجام امور قضایی خود نموده و تبصره ماده (۹) انجام هرگونه ابلاغ اوراق را صرفاً از طریق سامانه میسر دانسته است. نظر به اینکه این آئین نامه بر اساس تبصره ماده (۱۷۵) قانون آئین دادرسی - کیفری تصویب و بالتبع تابع ماده می باشد ، با مذاقه در مفهوم و منطوق ماده ، الزام آور بودن آن احراز نمی شود و در ذیل آن به بلامانع بودن این امر اشاره شده و در تفسیر آن علاوه بر اینکه الزامی در استفاده از روشهای نوین مشاهده نمی شود بلکه تجویز استفاده از آن با انتخاب اصحاب دعوی مورد نظر قانونگذار بوده است . ماده (۸) آئین نامه شماره ۲۰۰۵/۲۲۲ در حقوق فرانسه راجع به تسلیم و انتقال دادخواست ها و لوایح و ابلاغ تصمیمات از طریق الکترونیکی راه حل دوگانه ای را پیش روی قرار داده است : در موردی که طرفهای دعوی یا وکلای آنها استفاده از شیوه الکترونیکی انتقال داده را بر می گزینند ، چنین فرض می شود که مستندات زمانی به آنها ابلاغ شده که این اشخاص در آن تاریخ با استفاده از شیوه الکترونیکی این اسناد را ملاحظه می کنند یا در غیر اینصورت ۱۵ روز از تاریخ ارسال آنها به طریق الکترونیکی به آنها ابلاغ شده محسوب می شود.^۱ قانونگذار فرانسه در ماده (۵-۷۴۸) قانون آئین دادرسی مدنی استفاده از سامانه ارتباطات الکترونیکی را مانع از درخواست طرفین برای ارسال آراء و تصمیمات قضایی بصورت کاغذی ندانسته و استفاده از ابلاغ اوراق و تصمیمات قضایی را منوط به درخواست شخص نموده است.

«یکی از حقوق اصلی متداعیین حق اظهار نظر در خصوص پذیرش یا عدم پذیرش روش جدید دادخواهی و ابلاغ است.» (Croze , 2009 : 5) « تا قبل از سال ۱۳۸۸ علی رغم وجود مقررات ویژه ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی در قوانین ، در ذیل فرمهای



دادخواست جدید منتشر شده توسط اداره کل تشکیلات و برنامه‌ریزی قوه قضاییه به عنوان تذکر شماره یک نوشته می‌شد: (در صورتی که خواهان تمایل داشته باشد اوراق به صورت حضوری (در دفتر دادگاه) یا از طریق تلفن یا نمابر یا پست الکترونیکی به وی ابلاغ شود، در پایان شرح دادخواست، با ذکر دقیق شماره‌های مربوطه اعلام نماید، تا امر ابلاغ سریع تر صورت گیرد. باید این عبارت را مطابق با حق دادخواهان در جلب اظهار نظر آنان در خصوص قبول این شیوه جهت ابلاغ دانست. مراجعه‌کنندگان به دادگستری با نوشتن نشانی پست الکترونیکی خود در ذیل دادخواست به این شیوه ابلاغ رضایت داده و حقوق آنان نسبت به شیوه ابلاغ سنتی نیز حفظ می‌گردد. (محسنی، رضایی نژاد، ۱۳۹۱: ۶۲)

تبصره (۱) ماده (۱۳) آئین‌نامه، پا را فراتر نهاده و فرض قانونی را ابلاغ از طریق سیستم رایانه‌ای قلمداد نموده است. نظر به اینکه بر اساس قواعد مربوط به ابلاغ در آئین - دادرسی مدنی، اصل بر عدم ابلاغ بوده و امر عدمی نیاز به اثبات داشته که با یک امر وجودی (گواهی مامور ابلاغ) قابل اثبات می‌باشد، آئین‌نامه با معکوس نمودن این اصل قانونی، مخاطب ابلاغ را مکلف به اثبات عدم انجام ابلاغ نموده است. سامانه ابلاغ روز و ساعت خاصی را اعلام و شخص ملزم به اثبات عدم اطلاع از ابلاغیه در موعد اعلامی بلحاظ عدم دسترسی یا نقص در سامانه رایانه‌ای یا مخابراتی است. اثبات این امر از اراده و اختیار شخص به دلیل عدم توانایی وی به دخل و تصرف و بررسی در بستر مبادلات الکترونیکی و اثبات نقص در سامانه، خارج است. بر خلاف رویه انجام ابلاغ سنتی در روزهای کاری و ساعات اداری، در ابلاغ الکترونیکی امکان ابلاغ در روزهای تعطیل وجود دارد. ابلاغ در این بازه زمانی به خصوص تعطیلات و عدم دسترسی اغلب قریب به اتفاق افراد به سامانه به دلایل مختلف، موجبات تضییع حق ایشان را فراهم نموده و متأسفانه این مهم مورد توجه قانونگذار در آئین‌نامه قرار نگرفته است. قانونگذار فرانسه در ماده (۲) - ۷۴۸ قانون آئین دادرسی مدنی استفاده از این روش ابلاغ را به رضایت شخص منوط نموده و وفق ماده (۸-۷۴۸) امکان عدول نیز در هر زمان وجود دارد، جهت جلوگیری از تضییع





حق افراد ، در ماده (۷-۷۴۸) و (۹-۷۴۸) این حق را متصور شده در صورتیکه شخص نتواند به عللی غیر متناسب به خود (تعطیلات یا غیره) قبل از انقضای مدت از شیوه الکترونیکی استفاده کند ، این مهلت تا اولین روزکاری بعد از آن افزایش می یابد. ماده (۶۶۴) نیز ابلاغ قبل از ساعت ۸ صبح و بعد از ۹ شب و همچنین در روزهای یکشنبه و تعطیل را منوط به تجویز مقام قضایی دانسته است . برخی نظامهای حقوقی نیز ابلاغ- الکترونیکی اوراق قضایی را در صورت درخواست طرفین امکان پذیر دانسته و الزامی در آن برای استفاده اصحاب دعوی و سایر اشخاص پرونده مقرر نداشته اند . از جمله می توان به بخش (۱۱۹) قسمت سوم قانون آئین دادرسی مدنی مجارستان مصوب ۱۹۵۲، بخش (۶) قواعد و دستورالعمل های عملی حقوق مدنی انگلستان و ولز، ماده (۱۳۱) کدآئین دادرسی- مدنی لهستان ، بخشهای (A۱۳۰) و (۱۷۴) کدآئین دادرسی آلمان (در خصوص وکلا ، دفاتر اسناد رسمی ، مأمورین اجرا ، مشاورین مالیاتی و مقامات عمومی اجباری است) ، بند (۶) ماده (۱۵۴) کدآئین دادرسی مدنی رومانی ، بند (۳) ماده (۲۷۳) قواعد دادرسی مدنی اسپانیا (در خصوص شرکتها ، اشخاص دارای شخصیت حقوقی ، انجمن های رسمی ، دفاتر مالیاتی و نمایندگان احزاب الزامی است) و بند (۳) و (۴) ماده (۴۲) کد دادرسی مدنی بلغارستان اشاره نمود.

« سند ابلاغ به روش الکترونیک باید حاوی رضایت مخاطب به انجام این کار باشد و این ابلاغ رسمی الکترونیک وقتی ابلاغ به خود شخص (واقعی) است که مخاطب در همان روز ارسال سند، آن را ببیند والا ابلاغ به محل اقامت است و مأمور ابلاغ باید به ذینفع متقاضی ابلاغ الکترونیک مراتب را در نخستین روز کاری به موجب نامه عادی که حاوی تحویل ابلاغ رسمی الکترونیک و ماهیت سند و نام متقاضی است، اطلاع دهد.» (Cadiet , 2016 : 446؛ Ghera , 2012 : 116) ماده (۱۳) آئین نامه ، درج ابلاغیه در سامانه ابلاغ را ابلاغ قانونی و مشاهده آن را دارای آثار ابلاغ واقعی دانسته است . در تفسیر ماده ، باید گفت پس مشاهده ابلاغیه توسط مخاطب در سامانه فارغ از بازه زمانی درج





ابلاغیه و مشاهده آن ، ابلاغ واقعی به وی تلقی و کلیه آثار و تبعات ناشی از این نوع ابلاغ به وی بار می شود . بیان قانونگذار در ماده زمانیکه مخاطب مدتها پس از ابلاغ قانونی ، ابلاغیه را مشاهده نماید موجب تضییع حق وی شده و آثار ابلاغ واقعی بصورت کلی بر او تحمیل می شود . سیستم حقوقی فرانسه به منظور کمتر کردن آسیب های ابلاغ الکترونیک ، فقط رؤیت ابلاغ در روز ارسال را موجب واقعی شدن وصف آن دانسته و در غیر اینصورت ابلاغ الکترونیک را ابلاغ به اقامتگاه می داند.

در راستای تسهیل و تسریع برخی امور ، الزام برخی از افراد حرفه ای دخیل در سیستم حقوقی و قضایی از جمله کارشناسان و وکلاء به استفاده از این روش ابلاغ ، نظر به اینکه شغل این افراد در ارتباط کامل با دستگاه قضایی بوده و عملاً با این روش عجین شده است ، علاوه بر جلوگیری از اطاله روند رسیدگی می تواند سهولت ارتباط فی مابین سیستم قضایی با آنها را بهبود بخشد . از سال ۲۰۱۵ میلادی مطابق ماده (۱-۸۰۳) آئین دادرسی - کیفری فرانسه ، ابلاغ الکترونیک برای وکلا بصورت الزامی پذیرفته شده است . بند (۲) ماده فوق الذکر با تمایز قائل شدن فی مابین افرادی عادی و حرفه ای (کارشناسان و وکلاء) صرف اتصال این دسته افراد به سامانه قضایی را اعلام رضایت تلقی اما برای اشخاص عادی غیر وابسته منوط به رضایت و درخواست ایشان است .. برخی از نظامهای حقوقی با وجود استفاده از ارتباطات الکترونیکی در راستای حفظ حقوق اشخاص دخیل در پرونده - های قضایی ، جایگاهی برای استفاده از این روش ها جهت ابلاغ اوراق قضایی در نظر نگرفته و همچنان روش سنتی ابلاغ را مناط اعتبار دانسته اند . از جمله می توان به کشورهای مالتا ، لوکزامبورگ ، ایرلند و هلند اشاره نمود.

۲-۶. سابقه ابلاغ

ماده (۱۲) آئین نامه اشخاص را ملزم به اعلام آدرس ، نام ، تلفن همراه و مانند آن در صورت تغییر نموده و در غیر این صورت مراتب را منطبق با ماده (۷۹) قانون آئین دادرسی - مدنی که صرفاً در خصوص تغییر نشانی اصحاب دعوی می باشد ، به عنوان سابقه ابلاغ قلمداد نموده است . در سامانه ابلاغ الکترونیکی و آئین نامه ، تلفن همراه یا پست الکترونیکی





به عنوان محلی برای اعلام ارسال ابلاغیه به حساب کاربری فرد تلقی شده و بر اساس مقررات فعلی می‌توان گفت در سامانه ابلاغ الکترونیکی، پیوند فرد به نشانی و محل خاص در راستای ماده (۸۰) قانون آئین دادرسی مدنی جز مواردی که ابلاغ به شیوه سنتی صورت می‌گیرد از میان رفته و عدم حضور مخاطب در نشانی اعلامی مانعی برای ابلاغ و حضوری بودن آن نیست. لذا ابلاغ اوراق در محل خاص، معنی و مفهوم خود را از دست داده و لزوم اعلام نشانی در صورت تغییر در ماده (۱۲) آئین‌نامه در ماهیت و اساس ابلاغ تغییری ایجاد نمی‌کند.

آئین‌نامه صرفاً این مهم را مشمول ماده (۷۹) قانون آئین دادرسی مدنی قلمداد نموده در حالیکه موضوع مشمول مواد (۱۹۳) و (۱۹۴) قانون آئین دادرسی کیفری نیز می‌شود. موضوع مهم در لازم‌الاتباع بودن استفاده از این سابقه در کلیه مراحل دادرسی اعم از تجدیدنظر، فرجام، اعاده دادرسی و واخواهی است. از ماده چنین استنباط می‌شود در کلیه مراحل دادرسی یک پرونده امکان استناد به این سابقه ممکن و لزومی برای ارائه نشانی جدید وجود ندارد. در روش جدید ابلاغ الکترونیکی حساب کاربری فرد به عنوان نشانی مجازی او قلمداد و در پرونده‌های متفاوت نیز مورد استفاده و استناد قرار خواهد گرفت. ماده (۵۳۵) آئین دادرسی مدنی فرانسه سابقه ابلاغ را پذیرفته و در شکایت از رای (اعم از تجدیدنظر، فرجام و اعاده دادرسی) مخاطب ابلاغ در نشانی آمده در ابلاغیه، حاضر تلقی شده است. حاضر تلقی شدن نه به معنای حضوری بودن ابلاغ بلکه به معنای سابقه ابلاغ در نشانی معین است.

۳-۶. تعیین تاریخ ابلاغ

تاریخ ابلاغ سرمنشاء ایجاد حقوق مختلفی برای مخاطب بوده و تعیین دقیق آن بسیار مهم است. در ماده (۸) اولین آئین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک به شماره ۹۰۰۰/۱۰۱۱۸/۱۰۰ مورخ ۱۳۹۱/۳/۲۲ آمده است: «پس از ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی به خواننده یا مشتکی عنه، در صورتیکه وی از طریق ورود به پایگاه مربوط و پس از احراز هویت از طریق امضای دیجیتال در جریان ابلاغ قرار گیرد، ابلاغ به وی واقعی می‌باشد و





در غیر این صورت ابلاغ قانونی خواهد بود.» با وضع مقررات جدید و آئین نامه موضوع ماده (۱۷۵) قانون آئین دادرسی کیفری این ابهامات بر طرف شده است. ماده (۱۳) آئین نامه، وصول ابلاغیه الکترونیکی در حساب کاربری مخاطب در سامانه را ابلاغ قلمداد و تاریخ آن ثبت و مناط اعتبار برای محاکم بوده و ابلاغ قانونی قلمداد می گردد. ماده (۱-۶۶۴) آئین دادرسی مدنی فرانسه در روشی صحیح و مطابق با اصول حقوقی، تاریخ و ساعت ارسال ابلاغیه به مخاطب را تاریخ ابلاغ محسوب نموده است.

نتیجه گیری

دادرسی الکترونیکی یکی از الزامات تسریع و تسهیل در امر قضا بوده و استفاده از روشهای نوین ارتباطی تأثیر به سزایی در این مهم خواهند داشت. در دهه اخیر با اهتمام روسای محترم قوه قضاییه و همکاری سایر نهادهای مرتبط با ارائه خدمات ارتباطات الکترونیکی، این نحوه رسیدگی با توجه به ویژگی ها منحصر به فرد از جمله عدم نیاز مراجعه به مراجع قضایی در اکثر موارد و امکان دسترسی به اطلاعات مورد نیاز در هر زمان و مکان مورد استقبال آحاد جامعه حقوقی قرار گرفته و جایگاه خود را مستحکم نموده است. باید توجه داشت استفاده از این روش مستلزم رعایت قوانین آمره موجود در نحوه تشکیل و اصول حاکم به رسیدگی قضایی بوده و عندالزوم و بنا به ضرورت نیازمند تغییر قوانین در تطبیق شرایط استفاده از روش دادرسی الکترونیکی با شرایط موجود، می باشد. در حال حاضر اشخاصی هستند که بنا به دلایل مختلف اعم از کهولت سن، بی سواد و عدم آشنایی با نحوه کارکرد سامانه های الکترونیکی امکان دسترسی برای آنها میسر نبوده و الزامی بودن استفاده از این روش می تواند موجبات تضییع حق این دسته از اشخاص را فراهم آورد، مضاف بر اینکه نتایج حاصله از این تحقیق، ضرورت برخی تغییرات در قوانین و مقررات و سامانه و نحوه اجرای آن را ایجاب می کند که در قالب پیشنهاد به شرح ذیل بیان می شود.





۱- الزام آور بودن استفاده از روش دادرسی الکترونیکی به انتخابی بودن توسط اشخاص تغییر و امکان انصراف از این شیوه دادرسی در صورت انتخاب در نظر گرفته شود.

۲- در هر حوزه قضایی به تعداد لازم محلی همراه با دستگاه‌های فنی مربوطه جهت احراز هویت اصحاب دعوی به منظور شرکت در جلسه دادرسی مهیا شود.

۳- دبیر جلسه اسناد مورد استناد طرف را جهت بررسی همزمان دادگاه رسیدگی کننده در سامانه به رویت قاضی رسانده و عندالزوم اصل سند برای ارسال به شعبه مربوطه تحویل گرفته شود.

۴- سامانه را به نحوی تغییر کند که در روزهای تعطیل و در ساعات غیر اداری، امر ابلاغ صورت نگیرد. در صورت خطای سامانه و ابلاغ در فرض مشاهده مخاطب، صرفاً واجد آثار ابلاغ قانونی باشد.

۵- در راستای جلوگیری از تعدد تاریخ ابلاغ و در راستای حفظ حقوق افراد، در صورت مشاهده ابلاغیه در روز درج در سامانه، مناط اعتبار به عنوان ابلاغ واقعی و در غیر اینصورت ابلاغ قانونی قلمداد گردد.

۶- در راستای تسهیل در ارتباط میان کارشناسان و وکلاء و در راستای تسریع در روند رسیدگی، با اصلاح قوانین و مقررات مربوطه در قوانین مربوط به امر ابلاغ، امکان ابلاغ توسط وکلاء، کارشناسان و سایر اشخاص دخیل در دستگاه قضایی به یکدیگر از طریق سامانه ابلاغ الکترونیکی مهیا شود.

۷- مرکز در راستای انجام تکلیف ماده (۶۵۷) بخش نهم قانون آئین دادرسی کیفری در باب دادرسی الکترونیکی به انجام اقدامات لازم اعم از چاپ بروشور راهنما، ایجاد کیوسک راهنمایی اشخاص و عندالزوم برگزاری دوره های آشنایی با سامانه اقدام نماید.

منابع:

(۱) آخوندی، محمود، ۱۳۸۱ ش، آئین دادرسی کیفری، قم، دانشگاه قم.





- (۲) اخلاقی، بهروز، ۱۳۸۵ ش، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی، چ ۱.
- (۳) اصلانی، حمیدرضا، ۱۳۸۴ ش، حقوق فناوری اطلاعات، تهران، نشر میزان، چ ۱.
- (۴) بولانژه، ژان، ۱۳۷۶ ش، اصول کلی حقوقی و حقوق موضوعه، ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۳۶.
- (۵) جعفری تبار، حسن، ۱۳۹۳ ش، مبانی تفسیر فلسفی حقوقی، تهران، شرکت سهامی- انتشار، چ ۱.
- (۶) حر العاملی، محمد بن الحسن، ۱۴۱۴ ق، وسایل الشیعه، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی، چ ۲.
- (۷) حلی، حسن بن یوسف، ۱۳۱۴ ق، قواعد الاحکام فی معرفه احلال و الجرام، قم، جامعه مدرسی قم.
- (۸) رضایی نژاد، همایون؛ رضایی نژاد امیرحسین، ۱۳۹۰ ش، حکم غیابی: حرکت از مبانی به سمت رویکرد نوین، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۵.
- (۹) رضوانی، سودابه؛ آقامیرسلیم، مرضیه سادات، ۱۳۹۲ ش، بررسی کارآمدی دادرسی- الکترونیک و تحقق آن به عنوان یکی از مولفه های شهرالکترونیک، بایسته های پژوهش در نظام عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت کیفری؛ فرصت ها و چالش ها)، تهران، نشر میزان، چ ۱.
- (۱۰) زرکلام، ستار، ۱۳۹۱ ش، دادرسی های الکترونیکی؛ ضرورتها، الزامات و چالشها، مجله آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۳.
- (۱۱) -----، ۱۳۸۲ ش، امضای الکترونیکی و جایگاه آن در نظام ادله اثبات- دعوا، مجله مدرس، ش ۷.



۱۲) صانعی ، پرویز ، ۱۳۸۱ ش، حقوق و اجتماع ، رابطه حقوق و عوامل اجتماعی و روانی، تهران، طرح نو.

۱۳) صادقی ، محسن ، ۱۳۸۴ ش، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه تهران، میزان .

۱۴) صدوق ، محمد بن علی ، ۱۳۷۸ ق ، عیون اخبار الرضا ، تهران، جهان.

۱۵) طوسی ، محمد بن حسن ، ۱۳۸۷ ق، المبسوط فی فقه الامامیه ، تهران،المکتبه المرتضویه.

۱۶) شهبازی نیا، مرتضی؛ عبد الهی، محبوبه، ۱۳۸۸ ش، احراز اصالت در اسناد- الکترونیکی، فصلنامه پژوهشهای حقوق تطبیقی، ش ۱۳.

۱۷) فیضی، کامران؛ مقدسی، علیرضا؛ ۱۳۸۴ ش، دولت الکترونیک: باز آفرینی دولت در- عصر اطلاعات، تهران، نشر ترمه، چ ۱.

۱۸) فیضی، کامران؛ مقدسی، علیرضا؛ ۱۳۸۳ ش، موانع و راهکارهای شکل گیری دولت الکترونیک در ایران ، مجله توسعه مدیریت، ش ۲۲.

۱۹) کوهن، آندره ؛ مدینه، برتراند ، ۱۳۸۳ ش، مراقبت الکترونیکی و بررسی اجمالی آن بر- اساس آموزه های فقه اسلامی، ترجمه حمیدرضا جاویدزاده و سید حسن- میرهادی، نقد و بررسی غلامرضا پیوندی، فصلنامه تخصصی فقه و حقوق، ش ۲.

۲۰) محسنی، حسن؛ رضایی نژاد، همایون؛ ۱۳۹۱ ش، داد گستری و پیشرفت فناوری- اطلاعات و ارتباطات، مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، ش ۲.

۲۱) محسنی، حسن؛ ۱۳۸۵ ش ، مفهوم اصول دادرسی و نقش تفسیری آنها و چگونگی تمیز- این اصول از تشریفات دادرسی، مجله کانون و کلای داد گستری مرکز، ش ۲۳-۲۴.

۲۲) مودن زادگان، حسنعلی؛ روستا، نرجس؛ ۱۳۹۶ ش، دادرسی الکترونیکی در رویارویی با جرایم رایانه ای: چالش ها و بایسته ها، مجله حقوقی داد گستری، ش ۱۰۰.





۲۳) مودن زادگان، حسنعلی؛ شایگان، محمدرسول، ۱۳۸۸ ش، استنادپذیری و تحصیل ادله -

الکترونیکی در حقوق کیفری ایران، دیدگاههای حقوق قضایی، ش ۴۸.

۲۴) موسوی، محسن باقر، ۱۴۱۹ ق، القضاء و النظام القضایی عند امام علی (ع)

بیروت، الغدير.

۲۵) مهرافشان، علیرضا، ۱۳۹۰ ش، دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی،

مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۵.

۲۶) میرزاپور، سلمان؛ حیدری، ولی، ۱۳۹۲ ش، بررسی کارآمدی دادرسی الکترونیک و -

تحقق آن به عنوان یکی از مولفه های شهر الکترونیک، بایسته های پژوهش در نظام -

عدالت کیفری (مقالات برگزیده نخستین همایش ملی پژوهش در نظام عدالت -

کیفری؛ فرصت ها و چالش ها، تهران، نشر میزان، چ ۱.

۲۷) نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ ق، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل،

بیروت، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

28) Baosheng, Ahang & Xun Chen Huang (2010), Application and Trend of Digital Electronic Evidence in China's litigation, in Colloquium, of the International Association of Procedural law, Electronic Justice – Present and Future, University of Pecs, Faculty of law Pecs Hungary.

29) CADIET, Loïc, et Emmanuel JEULAND, (2012) Droit Judiciaire privé, Paris: Litec, 9e Éd, 2016, p. 443.

30) CROZE, Hervé, (2009) Le Progrès Technique de la Procédure Civile JCP/La semaine juridique – édition générale Vol 5.

31) Feral – Schuhl, Christiane, Cyberdroit, (2006) le droit a l'épreuve de l'internet, Dalloz.

32) Gascon Inchausti, Fernando, (2010) Electronic Service of Documents National and International Aspect, In Colloquium of the International Association of Procedural Law in Electronic Justice – Present and Future, University of Pecs, Faculty of law Pecs, Hungary.

33) GHERA, Thierry, Le décret n(2012)-366 du 15 mars, Entre Equilibre et Modernité, la Sécurité Juridique au Coeur de la Communication Electronique Judiciaire, Droit et Procédures, Vol 5/65e année/mai.



- 34) Jean Vincent , Serge Guinchard ,(2003) Procedure Civile , Paris : Dalloz , 27 ed.
- 35) Lamarche,(2011)ThierryPour une Simplification des Actes de Procédure Entre auxiliaire de justice,La Semaine Juridique Edition Générale n.
- 36) Lois,M and Bitner,M.,(1995)The Role of Employee Effort in Satisfaction with Services transactions,Journal of Business Research, Vol 32 .
- 37) Viatte,Jean.(1973)La signification des Actes D’huissier de Justice,La Gazette du Palais,tome 2,Doctrine.

